خود انتقادی از منظر روایات



نویسنده : مهدی عارفی جو

بسم الله الرحمن الرحيم

خود انتقادی از منظر روایات اهل بیت (علیهم السلام)

نویسنده:

مهدی عارفی جو

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خود انتقادی از منظر روایات اهل بیت (علیهم السلام)

مشخصات کتاب

نویسنده : مهدی عارفی جو

چکیده

انتقاد در لغت به معنای بهین گزیدن چیزی و تشخیص سره از ناسره است و حرکتی است اصلاح گرانه ، با قصد پالایش و زنگار زدایی و نجات حقیقی چیزی از نفوذ باطل که گاه می تواند ممدوح یا مذموم باشد .
خودانتقادی که از آن با تعابیر محاسبه نفس ، خودارزیابی و خود کنترلی نام می برند در واقع واکنشی است نسبت به رفتار و افکاری که خویشتن مرتکب آن می شود که می تواند شایسته یا غیر زیبنده باشد.
از مجموع روایاتی که در باب خودانتقادی و محاسبه نفس وجود دارد می توان به اهمیت آن پی برد چه اینکه حضرات آل الله در سخنان خویش آن را مایه سعادت ، شرط ایمان و تقوی و آسانی محاسبه در روز قیامت برشمرده اند .
این عمل اثرات متعددی در فرد و جامعه دارد که در یک نگاه کلان می توان آن را مایه مسئولیت پذیری فرد و جامعه و کاهش ناهنجاری ها دانست .
واژگان کلیدی : روایات اهل بیت ، خودانتقادی ، محاسبه نفس ، ارزیابی و کنترل ، مسئولیت پذیری ، کاهش ناهنجاری ها

مقدمه

همه موجودات به سوی کمالی که برایشان در نظر گرفته شده است ، در حرکتند و همه شرایط و امکانات لازم برای رسیدن به کمال ، از سوی خالق دانا برایشان پیش بینی شده و دراختیارشان قرار گرفته است.
اما همه آن ها به جز ایشان ، نه علم به هدف دارند و نه راه را خود انتخاب کرده اند ، بلکه این خداوند حکیم است که جهان هستی را این گونه تنظیم کرده است که هر موجودی به سوی غایت نهایی خود رهسپار باشد و چاره ای جز این ندارند ، چنان که قرآن می فرماید :«... ربّنا الذی اعطی کلّ شی خلقه ثم هدی »(طه/۵۰)
اما انسان موجودی است مختار ، که می تواند سعادت و شقاوت خود را ، شخصا از طریق برگزین راه هدایت یا ضلالت انتخاب کند ؛ که یا نسبت به به نعمات الهی بالاخص هدایت « الذی خلق فسوی و الذی قدّر فهدی » (اعلی/۲و۳) شاکر است و یا راه کفران را پیش می گیرد « إنّا هدیناه السبیل إمّا شاکراً و إمّا کفوراً» (انسان/۳).
از دیگر سو چون او فطرت و ذاتش خدایی است «نفخت فیه من روحی ؛ فطرت الله التی فطر الناس علیها» (حجر / ۲۹ ؛ روم /۳۰) و خدا نیز او را بیهوده و رها و بی تکلیف نیافرید و برایش کمال قرب و منزلت را قائل شده ؛ او به دنبال خوبی ها ، زیبایی ها و کمالات است و تلاش او در طول زندگی رسیدن به کمال جاودانگی است.
لکن او در مسیر حرکتش به سمت کمال با موانعی چون شیطان و نفس اماره رو به رواست که باید خود را برای مبارزه با آن ها آماده کند که یکی از راه های امادگی بنابر فرموده علی (علیه اسلام) محاسبه نفس و خودانتقادی است .
انسان باید در خود احساس مسئولیت را پرورش دهد و همواره خود را مسئول بداند ؛ در نتیجه هرگز خود را به کمتر از بهای لقاء پروردگار و یا بهشت ابدی نفروشد که در غیر این صورت به یقین از زیان کاران خواهد بود.

امام سجاد (علیه اسلام) درباره مسئولیت انسان در قبال خویش می فرمایند : نیروهای خود را تنها در پیروی از روش خدایی به کار گیر و تا آخرین حد توانایی خود ، وجودت را به کمال برسان تا اطاعت گر خدا باشی و نسبت به هر یک از اعضای خودت که خدا آن ها را وسیله کمال تو قرار داده حق آن ها را ادا کنی و از خداوند در این راه یاری طلبی .

یقینا نماد انسانیت و عشق و مهرورزی آدمی به داشتن مسئولیت و وفای به عهد است ؛ کمال آدمی به کمال مسئولیت بستگی داردو اشخاصی که مسئولیت پذیری بیشتری داشته باشند به کمال مطلوب تری خواهند رسید.

بنابر این، انسان اشرف مخلوقات و خلیفه خدا بر روی زمین است اما دستیابی به این مقام به سادگی میسر نمی باشد بلکه تلاش و ممارست بسیاری را می طلبد .

معناشناسی انتقاد

: «انتقد الشعر علی قائله : لغزش شعر را بر شاعر آشکار کرد » ؛ « انتقد الکلام : عیوب و محاسن سخن را آشکار کرد » ؛ (بستانی ، ۱۳۷۰ :۱۴۱)

انتقد الدراهم : اخرج منها الزیف ... یعنی درهم های ناخالص را را از مجموعه آن جداکردن و به دقت نگریستن تا خوب و پست آن از هم شناخته شوند ؛ ناقده : ناقشه فی الامر یعنی نقد کسی به معنای مناقشه کردن با او درباره چیزی است و نقد سخن ، اظهار کردن عیب ها و محاسن آن است . (جوهری ، ۱۳۹۹ ق : ذیل ماده نقد ، فیروزآبادی ، ذیل همان ؛ طریحی ، ۱۳۷۵ ش : ۱۵۱ ؛ معلوف ، ۱۳۶۳ : ذیل ماده نقد ؛ ابن منظور ، ۱۴۱۴ ق : ۱۰۱)

از مجموع کلمات لغویان ، استفاده می شود که انتقاد ، حرکتی است اصلاح گرانه ، با قصد پلایش و زنگار زدایی و نجات حقیقی چیزی از نفوذ باطل در حریم آن و برگرداندن طبیعت شخص و یا امری از آمیختگی به ناخالصی و غش ، به سوی خلوص و فطرت ناب آن و نقد در لغت به معنای بهین گزیدن چیزی است (بیهقی ، ۱۳۷۵ش : ۵).

عیب جویی نیز که از لوازم به گزینی است ، ظاهرا از قدیم در اصل کلمه نقد مستتر بوده و لذا از دیرباز این کلمه در مورد شناخت محاسن و معایب کلام به کار رفته و لفظی که امروزه در فرهنگ اروپایی جهت این معنی به کار می رود در اصل به معنی رای زدن و داوری کردن است و بی شک رای زدن و داوری کردن درباره نیک و بد امور و سره از ناسره آن ها مستلزم معرفت درست و دقیق آن امور است (زرین کوب ، ۱۳۷۱ ش : ۲۲) .

انتقاد عبارت است از سره کردن ، سره گرفتن ، بیرون کردن درهم های ناسره از میان درهم ها ، آشکار کردن عیب قائل آن و کاه از دانه جدا کردن (دهخدا ، ۱۳۷۷ ش : ۱۰۹) ؛ نقد ، یافتن و نشان دادن است تا اگر کسی خواست راهش را بیابد و اگر نخواست عذری نداشته باشد (صفایی حائری ، ۱۳۸۶ ش : ۱۵-۱۶)

و در اصطلاح ، وارسی و بررسی نوشتار ، گفتار یا رفتاری برای شناسایی و شناساندن زیبایی و زشتی ، بایستگی و نبایستگی ، بودها و نبودها و درستی و نادرستی آن هاست (شریفی ، ۱۳۸۵ ش : ۸۲-۸۴) .

بنابر این، قوه نقد و انتقاد ، به معنای عیب گرفتن نیست بلکه انتقاد یعنی یک شی را در محک قراردادن و به وسیله محک زدن به آن ، سالم و ناسالم را تشخیص دادن است (مطهری ، ۱۳۶۸ ش : ۱/۲۸۵)

نتیجه : نقد و انتقاد در لغت به معنای ارزیابی ، بررسی ، شناسایی نمودن ، زیر و رو کردن ، عیب ها را نمایاندن ، پنهان ها را رو کردن است .

مفهوم شناسی انتقاد

: انتقـاد فرآینـدی پیچیـده ، مهم، ضـروری و قدرتمنـد است ؛ پیچیـده است چون کلمـاتی که برای انتقـاد به کار می رود در حالات روحی و ماهیت روابط ناقد و منقود تاثیر فراوان دارد .

انتقاد مهم است چون عملکردها و موقعیت هایی که ارزش انتقاد کردن دارند ، مورد ارزیابی قرار می گیرند چه اینکه رفتار و عملی مورد نقد قرار می گیرد که احتمال تاثیر بر نتیجه و بازده کار و رفتار وجود داشته باشد .

علت قدرتمندی انتقاد را باید در نقش تقویتی یا تخریبی آن بر رفتار و عمل و نیز برانگیختن احساسات افراد جستجو کرد .

بنابر این، هدف از انتقاد تبادل اطلاعات ، تاثیر گذاشتن و برانگیختن است .

نقـد به یک اثر و یا رفتار فرد کمک می کند تا اعتبار یابد چه اینکه هرگاه از یک اثر یا رفتار انتقاد می شود عمدتا منجر به اصـلاح نقاط ناشایست شناسایی شده می شود .

هگل تاریـخ بشـر را به منزله پیشـرفت آگاهی او در نظر می گیرد و عقیـده دارد که این خودآگاهی ، قیود موجود اجتماعی را دائما دگرگون می کنـد و پیوسته در حـدود آن فراتر می رود ؛ پس در نگـاه هگـل ، انتقـاد ، چیزی بیشتر از قضـاوت منفی است و نقش مثبت ، کشف و برملا کردن اشـکال موجود معتقدات به خاطر تقویت تعالی انسان ها در جامعه است (آبرکرامبی ، ۱۳۷۰ش : ۹۷) .

امـا در نظر مـارکس مفهوم انتقـاد ، تنها نوعی قضاوت ذکاوت آمیز منفی در باب دسـتگاه های ایـدئولوژیکی اندیشـیده نبود ، بلکه فعالیتی بود که صـفات عملی و انقلابی داشت لذا انتقاد در مفهوم مارکسـی آن با پراکسـیس ملازمه پیدا کرد و این بدان معنا اسـت که انتقاد هوشمندانه تنها ضمن فعالیت انسان ها در جامعه می تواند فعالیت کامل پیدا کند (آبرکرامبی ، ۱۳۷۰ش : ۹۸) .

نقد و انتقاد موجب پویایی جامعه بشـری و موتور حرکت جوامع است ؛ هدف از نقد تشـخیص و انتقال نقاط قوت و ضعف هرگونه تفکر و رفتار انسانی به نحوی که بتوانند آن را در جهت مصالح و پیشرفت و رشد خود به کار ببرند می باشد . در واقع دغدغه انتقاد در جمعه ، حرکت از وضـعیت موجود به وضـعیت مطلوب است . بنـابر این مساله خطاپـذیری انسان و کامل نبودن وی سـبب مطرح شدن بابی چون انتقاد و انتقاد پذیری می شود . (اسلامی ، ۱۳۸۳ ش : ۱۱۷-۱۱۶)

پیش تر نیز اشاره شد که درباره خودانتقادی از تعابیری چون محاسـبه نفس نیز اسـتفاده می شود ؛ محاسبه به معنای حسابرسی انسان است اگر حسابگر خوبی نباشد پیشرفت نخواهد کرد ؛ بی مبالاتی موجب عقب ماندگی و فقر و تهیدستی خواهد شد .

حسابگری حاکی از نظم و عدالت و انضـباط است که عوالم هستی بر مبنای آن قوام یافته است « بالعدل قامت السماوات و الارض » (طوسی ، ۱۴۷)

گونه شناسی انتقاد و خودانتقادی

انتقاد گاه ممـدوح و سازنـده است و می توانـد عامل رشـد و تعالی فرد و جامعه و پالایش و زنگار زدایی از پیکره عظیم اجتماع ، با اتخاذ روشـی متناسب و شایسـته در گفتار و کردار و ضمن احترام به شخصیت مخاطب انجام می گیرد و در آن انگیزه ناقد سازنده ، شناسایی حق و رسیدن به آن است . هدف این نوع انتقادات معمولا رسیدن به کمال مطلوب است .

این نوع انگیزه ها بر پایه علم و دانش و منطق استوار است و ناقد ، نیت درستی و سازندگی دارد.

ناقد مخرب انگیزه اش را می توان در جوسازی و شایعه پراکنی ، خودنمایی یا نمایش ، سوءاسـتفاده ها و عقده های شخصی دانست . ناقد در این موضع از حق و حقیقت دور می شود.

درانتقـاد مخرب ، تحریف و تخریب شخصـیت ، جـایگزین تکمیل گردیـده و تحقیر به جای تکریم نشسـته است و به انگیزه افساد و ایجاد اختلاف و تفرقه در جامعه و کاشـتن بـذر کینه و نفاق و با روشـی نامناسب صورت می گیرد . یکی از واژه هایی که به معنای انتقاد سالم است نصیحت می باشد که از واژه های پُر کاربرد قرآنی و روایی است .

نصیحت از ماده نَصح و نُصح گرفته شده است ؛ نَصح به معنای خالص کردن است و نُصح به معنای خلوص و بی غل و غش بودن است . بنابر این ناصح ، کلام و عمل خود را از هر ناخالصی پاک نموده و انگیزه ای جز خیر خواهی ندارد و نیز بدون هیچ غرض شخصی و صرفاً برای منافع و مصالح فرد یا جمع اقدام می کند .

همان طور که اسلام به نصیحت، انتقاد، تحقیق و تفحص اصرار می ورزد ، از حفظ کرامت انسانی و مصلحت عمومی نیز دفاع می نماید ؛ از این رو برای نقد و انتقاد ، مرزهای مشخصی را تعیین کرده تا هیچ فردی به گمان آزادی انتقاد ، حرمت شکنی نکند و نیز به عیب جویی و تحقیر افراد نپردازد .

از همین رو در آیات و روایات بسیاری از عیب جویی و سرزنش مومن ، به شدت نهی شده است ؛ در مقابل عیب جویی ، عیب پوشی است و در فضیلت و شرافت آن همین بس که یکی از اوصاف خدای سبحان است که ستار العیوب می باشد (نراقی ، ۱۳۶۶ش : ۳۶۰) البته با انتقاد از نظر ریشه و هدف متفاوت هستند چه اینکه ریشه عیب جویی در کینه و عداوت است که فرد تلاش می کند به آشکار نمودن عیوب دیگران و رسوا نمودن آن ها و نیز به علت طغیان قوه شهوت فرد بدون اینکه از کسی کینه و حسدی داشته باشد به دنبال لغزش های و عیوب آن هاست و در این قوه نوعی پستی و زبونی پدید می آید که فرد بیمار از آشکار شدن زشتی ها و عیوب دیگران شاد می شود و در نهایت بد گمانی عامل دیگری بر عیب جویی و بدگویی است (حقانی زنجانی ، ۱۳۸۳ ش : ۱۱۷) .

بنابر این، تفاوت انتقاد و عیب جویی را می توان در دو محور خلاصه نمود ، خاستگاه انتقاد نوع دوستی و عواطف انسانی و تعهد ایمانی است در حالی که منشاء عیب جویی صفات رذیله ای است که پیشتر بیان گردید و نیز هدف عیب جو آزار دهی و تخریب شخصیت و در هم شکستن طرف مقابل است در حالی که غرض انتقادگر، اصلاح و زدودن عیوب و رو به کمال بردن شخص مورد انتقاد است .

ارزش و جایگاه انتقاد و ضرورت خودانتقادی

در آموزه های دینی واژه های نصیحت ، تذکر ، موعظه ، استماع قول ، اتباع حسن ، تواصی به حق ، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر هر یک به گونه ای ، اهمیت و جایگاه انتقاد و انتقادپذیری را بیان می کند .

امام کاظم (علیه اسلام) در وجوب حق انتقاد و دعوت به خیر برای مسلمانان می فرماید : «از واجب ترین حقوق برادرت این است که او را به خیر متوجه کنی و هیچ چیزی را که برای دنیا و آخرت مفید است از او پنهان نداری (مجلسی ، ۱۴۰۳ق : ۷۸/۳۳۲) و نیز امام صادق(علیه اسلام) می فرماید : « کسی که برادرش را در حال انجام عمل ناپسند ببیند در حالی که می تواند او را از این کار بازدارد و سکوت کند و از او انتقاد نکند به او خیانت کرده است (مجلسی ، ۱۴۰۳ق :۷۱/۱۹) و امام باقر (علیه اسلام) نیز فرموده اند : « از پی کسی رو که تو را می گریاند ، عیبت را تذکر می دهد و خیرخواه توست» (حر عاملی ، ۱۴۰۹ ق:۱۲/۲۱۰) .

در اهمیت انتقاد همین بس که امام کاظم (علیه اسلام) آن را جزء برنامه های اجتناب ناپذیر زندگی می داند و

می فرماید:« کوشش کنید چهار برنامه مشخص داشته باشید فسمتی برای مناجات با خدا ، ساعتی برای امرار معاش ، قسمتی برای هم نشینی با برادرانی که مورد اعتمادند و عیوبتان را خالصانه با زبان ابراز می دارند و ساعتی را نیز به جلب لذایذ مشروع خود اختصاص دهید» (مجلسی ، ۱۴۰۳ق : ۷۵/۳۲۱) .

امیرمومنان نیز در این باره بیانات متعددی در نهج البلاغه دارند که از جمله می توان به «شرّ اخوانک من داهنک فی نفسک و ساترک عیبک» (آمدی ، ۱۴۱۰ ق :۴۱۸) ؛ « من ساترک عیبک فهو عدوّک » (آمدی ، ۱۴۱۰ ق :۴۱۸)

اشتباه و گناه در گفتار و رفتار غیر معصوم راه پیدا می کند ، بنابر این، انتقاد گری و انتقاد پذیری از نیازهای یک مومن برای اصلاح

گفتار و رفتار در راه تقرب به خدا است .ارزش انتقاد سازنده و نصیحت مشفقانه به حدی است که امام علی(علیه اسلام) آن را از جمله حقوق حاکم اسلامی بر مردم می داند . (شریف الرضی ، ۱۴۱۴ ق : خ ۳۴) . نقد و انتقاد صحیح از آن روی مورد تاکید است که اگر شاخص ترین ویژگی ان را اندیشیدن او بدانیم بی گمان کارسازترین و تعیین کننده ترین عامل در تولید ، شکوفایی و گسترش این ویژگی ، ارزیابی و نقد و بررسی است (کلانتری ، ۱۳۸۵ ش: ۲۴۹-۲۵۱) .

امام صادق (علیه اسلام) : « بهترین دوستان در نزد من کسانی هستند که عیوب و نواقصم را به من هدیه دهند . (حر عاملی ، ۱۴۰۱ ق : ۴۱۳) .

درباره ضرورت خود انتقادی ، باید گفت که آموزه های قرآنی بیان می کند که شخص مومن می بایست به محاسبه نفس و خودانتقادی اقدام کند .

انسان ها به جهت رفتارها و عملکردها و عکس العمل های گوناگونشان گاهی مورد ملامت نفس قرار می گیرند و انسان باید پیش از آنکه به کاستی و عیوب دیگران توجه کند ، در جستجوی زدودن عیوب خویش باشد و اگر همگان به فکر نقد خویش برآیند ، زمینه نقد اجتماعی کمتری پیدا می شود و در نتیجه پاره ای از تنش ها و تشنج ها ، به خودی خود از بین می رود و مانع بسیاری از نقدهای ویرانگر می گردد .

در احوال عرفا و علمای بزرگ آمده است که اغلب آن ها در سکوت شب ، خود را به نقد می کشیدند و گاهی در یک محل خلوت و نیز جایی شبیه قبر می رفتند و اعمال و نیات روز خود را به دقت مورد وارسی قرار می دادند .

آنان با استفاده از نفس لوامه در واقع به توصیه قرآن و عترت در مورد محاسبه نفس عمل می کردند .

خود انتقادی در واقع ، رفتار صادقانه انسان با خویش است که آثار تربیتی ، اجتماعی ، روحی و روانی فراوان دارد . علی (علیه اسلام) در دو سخن گوهر بار می فرمایند : « طوبی لمن شغله عیبهٔ عن عیوب النفس ؛ من لم لیسس نفسه اضاعها»(تمیمی آمدی ، ۱۴۱۰ ق:۳۸۹)

خودانتقادی که همانا محاسبه نفس است یکی از بهترین روش های برای در اختیار گرفتن عنان نفس است ، بدین صورت که انسان اعمال و رفتار خود را در هر شبانه روز مورد ارزیابی قرار دهد و مشاهده کند که در شبانه روز چند درصد وقتش صرف امور غریزی گردیده و چند درصد صرف امور اخروی(مصباح یزدی ، ۱۳۸۰ ش:۲۰۵) .

مساله خودانتقادی ارتباطی تنگاتنگ با اعتقاد و ایمان دارد ؛ هر چه ایمان به خدا و رستاخیز در افراد قوی تر باشد محاسبه نفس نقش پُر رنگ تری در تربیت دینی او می یابد ؛ زیرا شریعت آسمانی و مبانی اعتقادی آن ، آدمی را به حساب رسی از خویش و آمادگی برای پاسخ گویی روز جزا ترغیب می کند و بر عکس، کافران و کسانی که ایمان ضعیف دارند، با دور ماندن از حقیقت توحید و معاد و بیگانگی با دین، از خودانتقادی نیز غفلت کرده و گرفتار زیانی سخت می شوند چه اینکه باور به روز قیامت زمانی در شخص ظهور می کند که اندیشه حسابرسی آن روز، موجب تکاپوی او در حسابرسی از نفس خود گردد که « حاسبوا انفسکم قبل أن تحاسبوا» عالی ترین مظهر عقل و تربیت صحیح، خطایابی از خویشتن است .

از بشر انتظار اینکه خطا نکند، بی معنا است چه اینکه او جایز الخطا می باشد بلکه باید از او انتظار داشت تا خطاهای خود را تکرار نکند .

محاسبه ، حساب رسی و بازنگری نسبت به گذشته است که باید هفت مورد در آن رعایت گردد : ۱ –تقدیر و اندازه گیری ۲- اصل و مسئولیت پذیری ۳- اصل بقای عمل ۴- اصل ثبت اعمال ۵- اصل حسابرسی و بازخواست ۶- اصل مجازات و بازتاب عمل ۷- اصل توبه و جبران.

در آیه ۱۸ حشر درباره لزوم حسابرسی به اعمال خویش می فرماید : « یا ایّها الذین آمنوا اتّقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد واتّقوا

الله » در این آیه دو بار بر تقوی الهی تاکید شده تا انسان را بیدار گرداند .
شگفت که این مسئله را بـا محاسبه نفس و خودانتقـادی ارتباط می دهـد تا انسان خود به ارزیابی اعمال خویش برای فردای قیامت اقـدام کنـد . در همین آیه این مطلب بیان می شود که تقوی می توانـد زمینه ساز مراقبت فرد شود و میان تقوا و علم به حسابرسـی و مراقبت، ارتباط محکم و استواری ایجاد می شود .
محاسبه نفس امری است که در قیامت نیز ادامه خواهد داشت و خداوند خود انسان را به محاسبه خویش مامور می سازد تا به حکم « بل الانسان علی نفسه بصیره ولو القی معاذیره» خود به محاسبه آگاهانه از خویش بپردازد.
آنگـاه که نامه اعمال هر کسـی را به دست وی می سپارند از او می خواهنـد که خود به ارزیابی و محاسـبه اعمال خویش بپردازد و داوری کند ؛ زیرا هر کسی به اعمال خویش آگاه تر است « اقرا کتابك کفی بنفسك الیوم علیك حسیبا» (اسراء/۱۴)

فرهنگ نقد پذیری و پذیرش انتقاد از خود

تردیدی نیست که تمام انسان ها و اقشار جامعه به نقد و انتقاد سالم و سازنده نیازمند هستند لکن این مهم بخشی از بحث است و نیم دیگر که در واقع تکمیل کننده آن است ، نقد پذیری و به کار بستن ناقدان است .
علی (علیه اسـلام) می فرماید : « بزرگترین توفیق ها پذییرش نصـیحت (قبول و عمل کردن) است (محمدی ری شـهری ، ۱۳۸۷ ش : ۱۲/۲۲۰) ایشـان در سـخنی دیگر می فرماینـد : « کسـی که اهـل پـذیرش سـخن حق و اصـلاح است ، از تبـاهی نجات می یابـد و از رسوایی در امان می ماند » (تمیمی آمدی ، ۱۴۱۰ ق : ۵/۲۷۷) .
مقصود از روحیه نقـد پـذیری ، ظرفیت شـنیدن هر نقدی است که متوجه انسان شود ، خواه این نقد حق باشد و خواه باطل و خواه از ناحیه دوست باشد و یا دشمن ، اما قابل ذکر است که این ظرفیت به معنای قبول هر نقدی نیست (اسلامی ، ۱۳۸۳ ش : ۱۱۶-۱۱۵)
رسول خدا (صـلی الله علیه و آله) فرمودند : « حق را از هر کوچك و بزرگی که برای تو می آورد ، بپذیر ، اگر چه دشمن تو باشد . » (کلانتری ، ۱۳۸۵ ش :۲۵۵) .
نقدپذیری نشانه شخصیت و تواضع و ترازویی برای شـناخت انسان با انصاف و واقع نگر است . تلخی نخسیتن نقد ، با برآیند شیرین آن ، از میان می رود .
امام جواد (علیه اسـلام) در ضـمن شـمارش ویژگی های مومن می فرماید : « مومن ، نقد و نصیحت را می پذیرد » (ابن شبعه حرانی، ۱۴۰۴ ق :۱/۳۳۷) . امام سـجاد (علیه اسـلام) نیز می فرمایـد :«حق نصـیحت کننـده آن است که با او نرم رفتار کنی و به سـخنان وی گوش فرادهی ، اگر سـخن وی درست بود ، خدای را سـپاس گویی و اگر سـخن او نادرست بود ، با او مهربان باشـی»(محمدی ری شهری ، ۱۳۸۹ ش:۱۰/۵۷)
بنابر این، نقد ناپذیری ، نشانه نوعی غرور و تکبر است که منشا آن ، خود خواهی ، خود برتربینی و یا خود مطلق انگاری انسان است .

فرآیندی خودانتقادی و محاسبه نفس

اشاره

خودانتقـادی گرچه اهمیت و ضـرورت دارد و سـیره علمـا و بزرگـان بـوده تـا آنجـا که فرد صـالحی همـواره به حسابرسـی خود می پرداخت و روزی به خود گفت، شصت سال از عمرت گذشت که ۲۱۵۰۰ روز خواهد بود و اگر روزی یک گناه انجام داده باشی ،

۲۱۵۰۰ گناه کرده ای ، جواب خدا را چه بدهم . او با این حساب گری آن چنان فریاد کشید که از دنیا رفت .
ولی بی ضابطه و از روی احساسات نیست .
علمای اخلاق فرآیند نقد خویشتن را در پنج مرحله تعریف کرده اند :

مشارطه

: به این معنا که فرد متدین با خود پیمان بندد تا بر خلاف دستور خدا و شریعت او هیچ عملی انجام ندهد و در ایفای مسئولیت ها کوتاهی نکند ؛ همچنین هر بامداد نفس خود را مخاطب قرار داده و بگوید : تو سرمایه ای جز عمر نداری و آن هم بزودی پایان می پذیرد و اگر از آن بهره بردای نکنی خسران خواهی دید (ملکی تبریزی ، ۱۳۷۲ ش :۵۴)

مراقبه

: یعنی مومن در طول روز مراقب نفس و اعمال خویش باشد تا از آنچه با خود عهد کرده ، تخطی نکند . او پس از مراقبه و آگاهی از گناهانی که مرتکب شده درصدد جبران و توبه برخواهد آمد که این از اثرات این مرحله است .

محاسبه

: گام سوم حساب کشی از خود در پایان روز و هنگام خواب است در این مرحله باید همه کارهای خرد و کلان خود را به طور دقیق وارسی کرد و دخل و خرج مادی و معنوی را سنجید . آنچه در این مرحله مهم است عدم تاثیر تسویف نفس اماره و شیطان است .
تسویف به این معناست که به او القا می کند که خیلی بر خود سخت نگیرد چرا که سال ها برای جبران کردن باقی است این در حالی است که خدا می فرماید : « و سارعوا إلی مغفرهٔ من ربّکم» (آل عمران ، ۱۳۳) و نیز امام صادق (علیه اسلام) می فرماید : « طول التّسویف حیرهٔ» (نوری ، ۱۴۰۸ ق : ۱۲/۱۲۴)

معاتبه

: انسان به خاطر انجام گناه و سهل انگاری در کسب معنویت و بی توجهی به انجام وظیفه ای که بر عهده داشته ، خود را ملامت و سرزنش کند و نفس خود را مورد عتاب قرار دهد .
بی تردید معاتبه نفس ، عنایت الهی را در پی دارد و خداوند چنین افرادی را بیشتر مدد می دهد .
علی (علیه اسلام) می فرماید : « من کان له من نفسه زاجرا کان علیه من الله حافظ » هر کس خویشتن را (از بدی) باز دارد ، خدا نیز مراقبی بر او می گمارد (آقا جمال خوانساری ، ۱۳۴۶ش:۵/۴۰۴)

معاقبه

: به معنای تنبیه خویش برای جبران زیان ها است . پس از معاتبه و سرزنش زبانی نفس اماره ، نوبت به تنبیه عملی می رسد که خطاها و کمبودهای گذشته را جبران کند؛ اگر لقمه حرام خورده ، او را گرسنگی دهد یا به روزه داری وادار کند ، اگر نمازش ترک شده قضا نماید و .... این کار نیز به نوبه خود مفید خواهد بود و روند محاسبه را تکمیل می کند . امام علی (علیه اسلام) می فرماید :« من أجهد نفسه فی اصلاحها سعد » هر کس خویش را در راه اصلاح نفس به زحمت اندازد خوشبخت می شود (آقاجمال

خوانساری ، ۱۳۴۶ ش : ۲۵۸)

روش شناسی خودانتقادی

اشاره

در سخنان و کتب بزرگان ، دستور العمل های گوناگونی برای محاسبه نفس و اعمال یافت می شود که از جمله می توان به :

استمداد از خدا

» قرآن می فرماید : «إنّ الله علی کل شیء شهید » (حج/۱۷) به درستی که خدا بر همه چیز گواه است سید بن طاووس در این باره معتقد است که هنگام محاسبه ، با عقل و دل خویش ، خدای آگاه به نهان و فرشته نگهبان خویش را حاظر و ناظر ببین و چون شریکی که از جزئیات کارهای شریکش آگاه است و اهل سهل انگاری و گذشت نیست ، به حساب خود برس .

نیز آگاه باش که اعضا و جوارح از تو نزد خدا شکایت می کنند که آن ها را در مسیری که خدا تعیین کرده به کار نگرفته ای، تو نیز با آنها مقابله به مثل نما و از آن ها به درگاه خدا گله کن و با تضرع بگو : « ربّنا ظلمنا أنفسنا وإن لم تغفرلنا و ترحمنا للنکونن من الخاسرین» (اعراف /۲۳) ؛ « الا إله إلّا انت سبحانک إنّی کنت من الظالمین»(انبیاء/۸۷)

خداوندا من تو را خواندم و به تو امید بستم ، اگر به من روی آورده و توجه نموده ای ، رحم فرما و دعایم را مستجاب کن و امیدواریم را تصدیق فرما و اگر هنگام گفتگوی من با مقام ارجمند خویش از من روی گردانیده ای ، با رحمت بی منتهای خویش بر من رحم آور (سید بن طاووس ، ۱۳۷۲ ش : ۲۲۰-۲۱۶)

محاسبه واجبات

: نخستین گام در خودانتقادی ، حسابرسی به واجبات الهی اعم از فردی و اجتماعی است . دانشمند اخلاق ، ملامهدی نراقی در این زمینه می نویسد : باید نخست حساب واجبات را از نفس کشید . زیرا واجبات به منزله سرمایه اصلی آدمی است ؛ اگر به خوبی ادا شده سپاسگزار خدا باشد و آمادگی خود را حفظ کند و اگر به جای نیاورده آن ها را قضا کند و اگر با کاستی انجام داده ، با انجام مستحبات ، آن ها را تکمیل گرداند (نراقی ، ۱۳۶۶ ش : ۳/۹۹) .

محاسبه گناهان

پس از واجبات نوبت به حسابرسی گناهان است . مومن باید در پایان هر روز به افکار و اخلاق و اعمال روزانه خویش نیک بنگرد و اگر گناهی را مشاهده کرد ، خویشتن را پس از سرزنش ، تنبیه و معاقبه نماید و بسان تاجری که از شریکش حساب می کشد ، خود را به دادن تاوان ملزم کند .

وظیفه واجب و فوری در برابر هر گناه (خواه صغیر یا کبیر) توبه و اظهار پیشمانی در درگاه ایزدی است ؛ زیرا به تعبیر علی (علیه اسلام) «الذنوب الدّاء و الدّواء الإستغفار و الشّفاء إن لا تعود» (آقاجمال خوانساری ، ۱۳۴۶ ش : ۲/۷۲) گناهان ، بیماری و طلب آمرزش دوا است و درمان آن است که به گناه بازنگردی .

نگاشتن حساب ها

: مرحوم ملا مهدی نراقی در این باره می نویسد : « لازم است بر نفس خویش سخت بگیرد زیرا او (نفس) بسیار شیاد و حیله گر است ؛ نخست باید او را در برابر سخنانی که در طول نگاه کردن ، نشست و برخاست ، خورد و خوراک ، سکوت و خاطرات و اندیشه و اخلاقیات بازخواست نمود اگر نفس از عهده پاسخ گوئی به همه مطالبات شرعی و عرفی برآمد ، حساب آن روز او تصفیه شده است و اگر نتوانست پاسخگو باشد باید در روزهای آینده بدی هایش را بپردازد .

این بدی ها باید در صفحه دل یا کاغذ مکتوب شود تا فراموش نگردد و زمان استیفای آن سپری نشود .

(نراقی ، ۱۳۶۶ ش : ۳/۱۰۰)

موارد خودانتقادی و محاسبه

اشاره

بر اساس آیات و روایات هر رفتار ، کردار و فکری در آن دنیا مورد حساب قرار می گیرد .«ونضع الموازین القسط لیوم القیامهٔ فلاتظلم نفس شیئاً وإن کان مثقال حبّه من خردل أتینابها»(انبیاء/۴۷) ؛ «و إن تبدوا ما فی انفسکم أو تخفوه یحاسبکم به الله » (بقره/۲۸۴) بر این اساس آدمی در برابر همه حرکات و سکنات و تفکرات خویش مسئول است و به همین جهت باید به همه کارهای خود رسیدگی کند و خویشتن را در برابر همه چیز بازخواست نماید . در خودانتقادی و حسابرسی آنچه مطرح است شناسایی و بررسی نقاط ضعف و حقوقی است که بر گردن آدمی است و در این فرآیند مورد حسابرسی قرار می گیرد تا به روز قیامت دچار حسابرسی سنگین تر که حتی اگر حقی به اندازه مثقال ذره هم باشد نمی گذرند گرفتار نیاید .

در همین زمینه امام صادق (علیه اسلام) در تفسیر آیه «إن ربّک لبالمرصاد » (پروردگارت سخت در کمین گاه است) (فجر/۱۴) فرمودند : مرصاد شانه صراط است و اگر کسی حق دیگران را نپردازد از آن عبور نمی کند (طبرسی ، ۱۳۷۲ ش : ۱۰/۴۸۷) حقوقی که بر عهده انسان است به دو قسم مشخص هستند ؛ حق الله و حق الناس .

حق الله

۱-۱ ولایت اهل بیت ؛ قرآن مجید درباره حسابرسی مردم در روز رستاخیز می فرماید : « و قفوهم إنّهم مسئولون» (صافات/۲۴) .

رسول خدا در تفسیر این آیه فرمودند : از آن ها درباره ولایت علی (علیه اسلام) پرسش می کنند . (ابن بابویه قمی ، ۱/۶۴)

۱-۲ نماز ؛ پس از ایمان به خدا برترین عمل عبادی است و از حقوقی محسوب می شود که تا آخرین لحظه عمر آدمی باید ادا کند و در محاسبه و رستاخیز نیز رتبه نخست را دارد .

امام باقر (علیه اسلام) فرمود : « إنّ اوّل ما یحسب به العبد الصلوهٔ فان قبلت قبل ماسواها »(کلینی ، ۱۳۶۲ ش:۳/۲۶۸)

۱-۳ قرآن : هدایت تنها در پرتو قرآن امکان پذیر است و آن دستورالعمل های مربوط به زندگی فردی و جمعی را به گونه ای کامل ارائه می کند و عمل به این رهنمودها سعادت و خوشبختی بشر را تضمین می نماید .

هر مسلمانی باید خود را موظف بداند که با تقویت ایمان خود ، به اجرای دستورات قرآن اقدام کند ، چرا که اگر قرآن در جامعه اسلامی فراموش گردد و تنها زینت بخش مجالس شود، آحاد آن جامعه در محشر مورد بازخواست قرار می گیرند . «و قال الرسول یاربّ إنّ قومی اتخذوا هذا القرآن محجوراً» (فرقان/۳۰)

حق الناس

: حقوق مردم بر دو گونه است ؛ مادی و معنوی .

گاه حقوق معنوی مانند جان و آبرو بسیار مهم تر از حقوق مادی است و اسلام آن ها را محترم شمرده است . اهمیت حق الناس تا آنجاست که خداوند آن را مقدم بر حقوق خود قرر داده و تا مردم حقوق همدیگر را نپردازند ، خداوند ازآنان نمی گذرد .

امیر مومنان علی (علیه اسلام) فرمودند :« جعل الله سبحانه حقوق عباده مقدمه لحقوقه فمن اقام بحقوق عبادالله کان ذلک مؤدّیا إلی القیام بحقوق الله»(آقا جمال خوانساری ، ۱۳۴۶ ش ، ۳/۳۷۰) خدای سبحان ، حقوق بندگانش را مقدمه حقوق خود قرار داده است ؛ هر کس به (رعایت) حقوق بندگان او قیام کند ، چنین کاری به رعایت حقوق الهی می انجامد .

نتیجه اینکه مومن باید شب و روز در اندیشه حق الله و حق الناس باشد ؛ نخست آنکه هیچ حقی را از خدا و مردم در خود انتقادی نادیده نگیرد و خرد و کلان حقوق مردم را بپردازد و دیگر آنکه اگر بر اثر نادانی و ندانم کاری حقی رااز کسی پایمال نمود پس از آگاهی ، بی درنگ به جبران آن بپردازد .

به درگاه خدا توبه کند و خویشتن رادر همین دنیا محاکمه نماید و پیش از انکه دستش از اقدام کوتاه شد به چاره اندیشی قیام کند .

نگاهی به چند حدیث درباره محاسبه نفس و خودانتقادی

۱-امام صادق(علیه اسلام) : « یابن جندب حق علی کل مسلم یعرفنا أن یعرض عمله فی کل یوم و لیلهٔ علی نفسه فیکون محاسب نفسه فان رای حسنهٔ استزاد منها و إن رای سیئهً استغفرمنها لئلّا یجزی یوم القیامهٔ»

بر هر مسلمانی که ما را می شناسد لازم است که هر شبانه روز اعمال خود را به نفسش عرضه کند و آن را محاسبه نماید اگر حسنه بود آن را زیاد کند و اگر گناهی بود استغفار نماید ، تا روز قیامت رسوا نگردد . (مصباح یزدی ، ۱۳۸۰ ش (۲) : ۲۱) .

امام صادق (علیه اسلام) در فراز نخست در فرمایش خویش اشاره به وجوب و لزوم محاسبه نفس و عرضه اعمال خویش به نفس، به عنوان داور را دارد ؛ طبیعتا همواره چیزی واجب و لازم می شود که حضور و وجودش در برنامه زندگی بشر برای رسیدن انسان به کمال وعدم انحطاط و انحراف از مسیر الهی ضرورت داشته باشد .

بنابر این، محاسبه نفس به عنوان یکی از مؤثرترین عناصر برای کمال انسان مطرح است چه اینکه می تواند با سنجش روزانه اعمال ، میزان انحراف از مسیر الهی و نیز میزان پیشرفت در مسیر کمال را به روشنی تبیین نماید .

ایشان این فراز از سخن را با قید « بر هر مسلمانی که ما را می شناسد » ادامه می دهند که علت کاربردن این قید می تواند این باشد که اولا این مطلب نه به این معنا که فقط بر مسلمانان وجوب دارد بلکه چون از آنان انتظار بیشتری می رود تا به این عمل بپردازند و از طرف دیگر مسلمانان به کمال نزدیک ترند پس وجوب محاسبه به عنوان یکی از عناصر رسیدن به کمال نیز بیشتر احساس می شود .

نکته دیگر این قید را می توان اختصاص نداشتن وجوب محاسبه فقط بر شیعیان دانست بلکه هر مسلمانی که به طور نسبی با جایگاه ، شخصیت ، منش و طرز تفکر ائمه آشنایی داشته باشد و بداند که آن ها بیهوده سخن نمی کنند و از روی حکمت است واجب می باشد چه اینکه آشنایی کامل با ائمه برای هیچ انسان غیر کاملی امکان ندارد و منظور از آشنایی در این فراز مورد اعتماد دانستن ائمه و سخنانشان را اطمینان آور بداند هست .

نکته دیگری که در ادامه حدیث به آن اشاره شده « فی کل یوم» است که اشاره به لزوم مداومت در محاسبه نفس با انجام آن در هر روز است ؛ در اکثر توصیه های ائمه توجه به مداومت و زمان شده است و کاری را که تداوم نداشته باشد تعبیر بیهوده از آن کرده اند و توصیه کرده اند کار کم مداوم بهتر است از کار زیاد غیر تداوم دار .

معصومین به خوبی آگاه انـد که اگر محاسبه نفس با نظم مشخصـی صورت نگیرد و برنامه روزانه ای برای تداوم آن وجود نداشـته باشـد قطعا انجام چنین محاسبه ای چون از روی احساسات بوده و هـدفی را دنبال نمی کنـد ، هر قـدر هم که کوشـش در انجام آن شـده باشـد به موفقیت دائم نمی رسـد و حداکثر موفقیت های مقطعی را تجربه می کند . نیز علت قید به این خاطر است که وساوس شیطانی و تهاجم شـیطانی و تهاجم دشـمنان ار درون انسان (نفس اماره و مسوله) هر روز با شیوه ای جدید به انسان عرضه می شوند و اگر محاسـبه نفس به عنوان یک کنترل گر هر روز به ارزیابی نپردازد قطعا سـرانجام شوم عاید انسان می شود حتی اگربه محاسـبه قطعی پرداخته باشد .

ایشان در ادامه توجه به کیفیت از محاسبه دارند که باید به گونه ای سـخت و دقیق باشد که اعمال حسـنه و سـیئه و تشـخیص آن به روشنی و با حداقل خطا صورت گیرد تا بتوان به افزایش و تقویت اعمال حسنه و زدودن سیئات پرداخت .

منظور این است که بعضا محاسـبه های نفسانی با خطا در تشخیص حسنه از سیئه مواجه می شوند و علتش وجود غباری از تزئینات و تسویلات شیطانی بر اعمال سیئه است که آن ها را زیبا و اعمال حسنه را ناشایست و برگردان نشان می دهد که در این صورت قطعا محاسبه نفس نه تنها سود ندارد بلکه با ضرر نیز همراه است .

آن حضـرت در پایان به یکی از اهداف و کارکردهای محاسـبه یعنی عدم رسوایی در قیامت اشاره می فرمایند ؛ علتش این است که در محاسبه شخصی در دنیا ، انسان واقف بر گناهانی می شود که شاید در گذر زمان غبار غفلت بر آن نشسته باشد اگر به این عمل نپردازد قطعـا در قیـامت توسط خداونـد به محاسـبه پرداخته می شود و افرادی که در دنیا به هر نوع دارای کسوت و بزرگی بوده اند در برابر همه بـا عـذابی خوار کننـده رسوا خواهنـد شـد و این همان توصـیه ای است که بارها شـد ؛ علی (علیه اسـلام) :«عبادالله زنوا أنفسـکم من قبل اَن توزَنوا وحاسبوها من قبل أن تحاسبوا» (شریف الرضی،۱۴۱۴ ق :خ ۴۰) ای بندگان خدا پیش از آنکه اعمال شما را بسنجند و وزن کنند شما خود آن ها را بسنجید ، پیش از آنکه اعمالتان حساب رسی شود ، از خودتان حساب بکشید .

امام صادق (علیه اسـلام) : « فحاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا علیها فانّ للقیامهٔ خمسین موقفا کل موقف مقداره الف سنه (ثم تلاقوله تعالی) فی یوم کان مقدار الف سنه ممّا تعدّون » (سجده/۴)(حر عاملی ، ۱۴۰۹ ق :۹۶/۴۳۲)

۲- علی(علیه اسـلام) :« من تعاهـد نفسه بالمحاسـبه امن فیها المداهنه» (تمیمی آمدی ، ۱۴۱۰ ق :۲۳۶) هر که با خود پیمان بنـدد به حساب خویش رسیدگی کند از سهل انگاری ایمن می شود .

علی (علیه اسلام) در این سـخن شـریف اشاره به پیمان بسـتن با خود برای محاسـبه نفس می کنند . نکته ای که در این سخن وجود دارد این است که ماهیت در پیمان بستن وجود یک هدف و قانونی است که دو طرف متعهد به اجرای آن هستند .

در محاسـبه نفس نیز از یک سو نفس انسان متعهـد می شود که در تشـخیص عیوب و نیز ارزیابی آن در فرآینـد خودانتقادی ازهیچ کوشـش دریغ نورزدو صادق باشـد وانسان خود نیز متعهـد می شودآنچه که مورد نقـد قرار گرفته قبول نموده و انتقاد پـذیر باشـد و نهایت کوشـش و دقت را در افزایش حسنات و زدودن سیئات بنماید و این نکته ای است که علی(علیه اسلام) با تعبیر پیمان بستن با خود به آن اشاره می کنند ؛ در واقع وقتی سـخن از پیمان می آید یقینا ضمانت اجرایی نیز همراه آن است که بر اساس آن دو طرف بر عهدی که بسته اند خواهند ماند و در طی یک فرآیند زمانی و عملی معقول نسبت به انجام وظیفه معهوده مبادرت خواهند نمود .

نکته دیگر در سخنان امیر بیان،علی(علیه اسلام) ایمنی از سهل انگاری به طور مطلق و در اثر محاسبه نفس است.

ایشـان این مطلب را مقیـد به دنیـا یـا آخرت نمی کننـد و نیز ایمنی از سـهل انگـاری را در یـک جنبه از جوانب کار و زنـدگی نمی شمرنـد بلکه با ظرافت و دقت ، آن را به طور مطلق بیان می کننـد تا اشاره بـدین باشـد که محاسـبه نفس اگر دوام در طول زنـدگی داشـته باشد علاوه بر این که موجب ایمنی از سـهل انگاری نسـبت به آخرت می شود در همین نشاه دنیا نیز مانع از غفلت انسان می شود و نیز علاـوه بر این که موجب ایمنی از غفلت نسـبت به اعمـال دینی می شود، مـایه هوشـیاری در برخورد بـا مسائـل اجتماعی ،

سیاسی ، اقتصادی و .... می شود و به نوعی بصیرت زا است .

۳- کاظم (علیه اسلام) : « لیس منّا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فإن عمل خیرا استزاد الله منه و حمد الله علیه و إن عمل شرّا استغفرالله و تاب الیه » (مفید ، ۱۴۱۳ ق :۲۶) از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند و ببیند اگر کار نیکی انجام داده ، از خدا توفیق انجام بیشتر آن را بخواهد و خدا را برآن سپاس گوید و اگر کار بدی انجام داده از خدا آمرزش بخواهد و توبه کند .

امام کاظم (علیه اسلام) در کلامی حکیمانه ، ابتدا به محاسبه نفس از دریچه محبت و مودت می نگرد و شرط محبت و مودت دو سویه با معصومین را در محاسبه نفس می دانند . به نظر ایشان تنها امکانی که برای انسان در رسیدن به کمالات وجود دارد ، محاسبه نفس دائمی است ؛ همچنین باید اشاره نمود که اگر کسی محبت ایشان را داشته باشد ، در اعمالش که شاکله و شخصیت وجودی او را می سازد ، می بایست چنان باشد که موجب خرسندی و رضایت آنان قرار گیرد .

باید به گونه ای عمل شود که آن ها عمل می کنند ، اگر موسی بن جعفر(علیه اسلام) در مقام خشیت از خدا چنان می گریست که محاسن ایشان از اشک ، تر می شد ، دوستدار آن حضرت نیز باید این گونه باشد یا اگر می فرماید :« عونک للضعیف أفضل الصدقه»(ابن شعبه حرانی ، ۱۴۰۴ ق : ۴۱۴) کمک کردن تو به ناتوان بهترین صدقه است ؛ مرید ایشان باید به گونه ای به کمک مردم ناتوان بشتابد که آن را بهترین کار و صدقه بداند و همچنین آن حضرت به عمل کظم غیظ مشهور است باید دوست دار آن حضرت نیز به کظم غیظ که امروزه بسیار برای جوامع بشری ضروری است مبادرت ورزد .

بنابراین، محاسبه نفس نیز از جمله اعمال موکد ائمه بوده که دوستداران آن حضرات نیز باید با همان تاکید محاسبه داشته باشند. آن حضرت در ادامه بحث از مداومت می کنند که در موارد پیشین بدان اشاره شد .

تاکید ایشان بر نقش اساسی و اصلی خدا در انجام یک عمل خیر و شکر او از دیگر نکات این سخن است ؛ ایشان معتقدند انجام بیشتر آن کار را بخواه ، حال آنکه اگر فردی در انجام فعلی سهیم نباشد چگونه می تواند مایه ازدیاد انجام آن شود ایشان همچنین به سپاسگذاری خدا برای انجام فعل نیک اشاره می کنند که یقینا منظور شکر حقیقی علاوه بر شکر صوری است ؛ در فرآیند شکر حقیقی می بایست همواره خدا را صاحب و ولی خود دانست و از انجام اعمال خیرغره نشد؛ ضمن اینکه اصل سپاسگذاری مایه دوام آن فعل و حالت است و افعال خیر نیز از این قاعده مستثنی نیست .

در فراز پایانی امام کاظم (علیه اسلام) به اثر بخشی محاسبه نفس تاکید دارند که باید به توبه بیانجامد و صرفا به تشخیص و اطلاع از افعال نیک و بد سرانجام نیابد بلکه همان طور که با استعانت از خدا و حمد حقیقی او به افزایش افعال نیک باید مبادرت نمود ، با استغفار از خدا و توبه حقیقی او می بایست به زدودن و کاستن از انجام امور ناشایست اقدام کرد ؛ علی (علیه اسلام) :« من حاسب نفسه وقف علی عیوبه و أحاط بذنوبه و استقال الذّنوب و اصلح العیوب» (تمیمی آمدی ، ۱۴۱۰ ق:۲۱۵) هر کس به محاسبه نفس خود بپردازد ، از عیب ها و گناهان خویش آگاه می شود ، چنین فردی سرانجام در زدودن گناه و اصلاح عیوب خود موفق خواهد شد .

۴- رضا(علیه اسلام) :« من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر»(مجلسی ، ۱۴۰۳ ق :۷۸/۳۵۲) آن کس که نفسش را محاسبه کند ، سود برده و آن کس که از محاسبه نفس غافل بماند زیان دیده است .

حضرت رضا (علیه اسلام) در این سخن اشاره به (ربح) و (خسر) به عنوان دو کلمه و اصطلاح متضاد می کنند .

باید توجه نمود که سود و زیان اشاره شده ، بدون قید دنیا و آخرت ذکر شده که نشان از اختصاص نداشتن سود وزیان آن صرفا برای آخرت یا دنیا است و نیز باید به عدم به کار بردن قیدی در این سود و زیان به این که در چه چیزی مایه سود و یا زیان است نیز توجه مبذول داشت .

به واقع محاسبه نفس و ارزیابی افعال خویش در طول روز هم جنبه مادی و هم معنوی می تواند داشته باشد چه اینکه در جنبه مادی ، انسان با خودانتقادی ، می تواند نقاط ضعف و قوت خود را در تعاملات اجتماعی و کاری با دیگران و نیز روابط خانوادگی را به درستی شناسایی کند و نسبت به اصلاح عیوب مادی اقدام نماید .

در جنبه معنوی نیز ارزیابی اعمال و افکار و سنجش میزان فاصله شان با مسیر قرب الی الله مطرح است که به هر ترتیب اگر خودانتقادی به شیوه صحیح صورت پذیرد ، هم در روابط و افعال دنیوی و هم در اعمال اخروی تاثیر اساسی دارد و می تواند مایه خسران و یا سعادت و سود انسان را در هر دو دنیا فراهم آورد .

علی(علیه اسلام) : « من حاسب نفسه سعد» (تمیمی آمدی ، ۱۴۱۰ ق:۷۸۸۷ح) هر کس نفس خود را محاسبه کند خوشبخت شود .

۵-رسول الله (صلی الله علیه و آله) : «لا یکون الرجل من المتقین حتی یحاسب نفسه أشد من محاسبه الشریک شریکهٔ» (حرعاملی ، ۱۴۰۹ ق:۱۶/۹۶) آدمی از پرهیزگاران نمی شود مگر اینکه حساب رسی او از نفسش سخت تر از حساب کشیدن او از شریکش باشد .

در اندیشه دینی تقوا به معنای منع کردن نفس از هرگونه بدی و آلودگی و پیروی از دستورات الهی در تمام جهات زندگی است . تقوا الهی راه فلاح ، نجات و کسب خیر دنیا و آخرت است(زینلی، ۱۴۱۸ ق:۷/۷۷) امام حسن (علیه اسلام) می فرماید :« تقوا درب هر توبه و سرآغاز هر حکمتی می باشد و هر عملی با تقوا شرافت می یابد و هر کس از پرهیزکاران نجات یافته به وسیله تقوا بوده »(دشتی ، ۱۳۷۲ ش : ۵/۱۴۴)

از این عبارات اهمیت تقوا به خوبی روشن می شود ، رسول خدا در این سخن خود شرط متقی شدن و رسیدن به درجه تقوی الهی را محاسبه نفس میدانند و معتقدند که تا محاسبه صورت نپذیرد ، تقوی هم اتفاق نمی افتد و این نشان از اوج اهمیت محاسبه نفس است .

در واقع محاسبه نفس مقدمه ای برای تقوی است چه اینکه حالت وقایه و خود نگه داری و پرهیزکاری اتفاق نمی افتد مگر اینکه انسان بر عیوب خویش واقف شود و بنابر سخن معصومین این مهم جز از طریق محاسبه نفس امکان رخ دادن ندارد .

علی(علیه اسلام) : « من حاسب نفسه وقف علی عیوبه»(آقا جما خوانساری ، ۱۳۴۶ ش :۵/۲۹۹) هر کس به حساب نفس خود رسیدگی کند به عیوبش آگاه شود .

رسول خدا در ادامه به سخت گیری بر خود در محاسبه اشاره دارند و نکته ای را بیان می داند که انسان باید ابتدا به سخت گیری برخورد توجه کند و نفس خویش را تادیب نماید سپس به حساب کشیدن از دیگران بپردازد .

این مهم چیزی است که امروزه کمتر به آن توجه می شود و اگر هر فرد برای نفس خود نگهبان و حسابرس باشد دیگر احتیاجی به حسابرسی افراد از یکدیگر نخواهد بود و ناهنجاری های اجتماعی نیز کاهش می یابد .

۶-رسول خدا (صلی الله علیه و آله) :«أکیس الکیسین من حاسب نفسه و عمل لما بعد الموت و أحمق الحمقی من اتّبع نفسه هواه و تمنّی علی الله الأمانی»(مجلسی، ۱۴۰۳ ق:۷۷/۴۰) زیرک ترین زیرک ها کسی است که به حساب خود برسد و برای بعد از مرگ کار کند و احمق ترین احمق ها کسی است که از خواسته های نفسانی پیروی کند و آرزوهای (باطل) را از خداوند درخواست نماید .

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در این فرمایش خویش اشاره به زیرکی و حماقت می فرمایند و معتقدند که انسانی که به حساب خود رسیدگی می نماید و برای بعد از مرگ کار می کند زیرک ترین زیرک ها است .

یقینا نیز همین طور هست چه اینکه فرد زیرک همواره در هر کاری سعی می کند با آنالیز آن کار و با ارزیابی توانایی و فرصت ها کمترین اشتباه و ضرر را ببینند و بیشترین سود را عاید خود کند .

همچنین نباید فراموش کرد که فرد زیرک دوراندیش است و بر اساس نگاه به آینده تصمیم می گیرد و سعی می کند برای رسیدن به هدفی در آینده که به دنبال آن است تمام جوانب خوب و بد را در نظر بگیرد و با تمام توان در مسیر آن بکوشد .

در طرف دیگر انسان احمق همواره در تشخیص سره از ناسره دچار اشتباه است ؛ او خوب را بد و زشت را زیبا می بیند و سپس در تصمیم گیری نیز دچار اشتباه و ناتوانی است .

انسان احمق هیچ گاه دوراندیشی نمی کند و به اهداف نزدیک آن هم به طور اتفاق و نه با تشخیص قبلی بسنده می کند .حالا اگر زیرکی و حماقت در مسائل دینی و مباحث مربوط به ارتباط انسان با خدا باشد قطعا حساسیت بیشتری خواهد داشت که پیامبر گرامی اسلام نیز با تعبیر زیرک ترین و احمق ترین سعی در نشان دادن حساسیت داشته اند .

بنابراین کسی که به محاسبه نفس پرداخته و بر اساس آن برای آینده بعد از مرگش تدبیر می کند ، زیرک ترین و کسی که به تبعیت از هوای نفس پرداخته و در غفلت به سر می برد و صرفا به خیال پردازی و ترسیم آرزوهای باطل می پردازد و توقع اجابت آن ها را نیز از خداوند دارد از احمق ترین هاست .

۷–علی (علیه اسلام) : حاسبوا باعمالها و طالبوها بأداءالمفروض علیها و الأخذ من فنائها لبقائها و تزوّدا و تأهّبوا قبل أن تبعثوا «(تمیمی آمدی ، ۱۴۱۰ ق : ح۴۹۳۴) به حساب اعمال نفس خود رسیدگی کنید و از آن بخواهید که وظایف خود را انجام دهد و از آن جایی که رفتنی است برای آن جایی که ماندنی است بهره گیرد و پیش از آنکه برانگیخته شوید توشه بردارید و خود را آماده کنید .

علی (علیه اسلام) در این سخن گوهربار پس از دستور محاسبه نفس ، اشاره به وظایف نفس می کنند که از آن بخواهید تا وظایف خود را انجام دهد . نفس انسان هم می تواند مایه سعادت و کمال او را فراهم کند و هم شقاوت و ضلالت را مهیا نمیاد . نفس هم می تواند نماینده خدا در انسان و هم نماینده شیطان در انسان باشد .

بنابراین نفس دارای کارکردهای مختلف است ، از جهتی می تواند نفسی مطمئنه و لوامه و ملهمه و مسوی باشد و از طرفی نفس اماره به سوء و مسوله باشد .

اما آنچه علی (علیه اسلام) از وظایف نفس در نظر دارند همان حالت محاسبۀالنفس و لوامه می باشد ؛ که دراین صورت ایشان معتقدند باید نفس به وظیفه کنترل و حسابرسی از اعمال و نیز به سرزنش گری نسبت به اشتباهات بپردازد و از طرفی پس از کنترل و حسابرسی و سرزنش گری ، اسبابی را فراهم نماید تا انسان به پشتوانه نفس مطمئنه بتواند به اعلی درجات سوق کند و ملکوت آسمان ها و زمین را مشاهده نماید .

ایشان در ادامه التفات دارند به بحث فانی بودن این دنیا و اعمال دنیاییش و از طرفی به ماندگار بودن آخرت توجه می نمایند . منظور این است که باید نفس را متنبه کرد که این دنیا و اعمالش فانی است مگر آن زمان که به قصد تقرب به خدا صورت گیرد که این باعث می شود تا اولا نفس در محاسبه اعمال این عقیده را میزان قرار دهد و از طرف دیگر دچار تسویف نشود و بداند که این دنیا بقایی ندارد و هر آن امکان دارد فرد به پایان عمرش برسد و اگر به خود در محاسبه اعمال سخت نگرفته باشد و توبه نکرده باشد قطعا دچار خسران خواهد شد .

ایشان در پایان این سخن اشاره به نکته ای می کنند که توشه برداری از دنیا تا قبل از آغاز رستاخیز و قیامت ادامه دارد و با مرگ این فرآیند اخذ نیکی ها و بدی ها پایان نمی پذیرد و انسان می تواند از طریق باقیاتی که در دنیا می گذارد که صالح است یا باطل به توشه برداری اقدام کند و نیز خیرات و مبرات دیگران در باب فرد در برزخ همچنان مفید است .

۸– سجاد (علیه اسلام) :« یا بن آدم إنّک لا تزال بخیر ما کان لک واعظ من نفسک و ما کانت المحاسبه من همّک» (حر عاملی، ۱۳۶۴ ش :۹۶/۴۳۳) ای فرزند ادم ، تو تا زمانی که خود واعظ خویش باشی و به محاسبه (اعمال) خویش بپردازی ، پیوسته درخیر و

خوبی به سر خواهی برد .

زین العابـدین (علیه اسـلام) در ابتدای کلام خویش اشاره به فرزند آدم بودن می کنند ؛ در حالی که می توانسـتند از دیگر اسامی و القاب برای مخاطبین اسـتفاده کنند . اما به کار بردن این ترکیب اشاره به این دارد که شـما فرزندان آدم (علیه اسلام) اگر همچون او باشـید که وقتی دچـار ترک اولی شـد و به دنیـا هبوط فرمود ، به خود آمـد و واعظ خویش شـد و از آن به بعـد به سـرزنش خویش پرداخت و توبه نصوح کرد و به همین جهت مورد مغفرت حق تعالی قرار گرفت و همچنان در مقام نبوت و سعادت باقی ماند ؛ قطعا شما نیز مشمول مغفرت الهی و رسیدن به سعادت خواهید شد .

همچنین این ترکیب اشاره به شـمولیت این توصـیه به همه مردم جهان با هر آئین و مکتبی است که قطعا اگر به محاسبه صحیح نفس بپردازند در اولین فرصت آئینی بهتر از اسلام و تشیع نیابند و به آن بگرایند .

در ادامه به رابطه مستقیم مداومت در محاسبه نفس با خیر و سعادت اشاره می شود که تا زمانی که به محاسبه نفس مداومت ورزیده شد ، خیر و خوبی نیز پیوسته خواهد بود .

قطعا منظور ازخیر و خوبی نیز هم برکت و خوشبختی در این دنیا و هم منزلت و سعادت دائمی در آخرت است .

۹-رسول خـدا (صـلی الله علیه و آله) : « و علی العاقـل ما لم یکن مغلوبا أن تکون له ساعات ، ساعه یناجی فیها ربّه و ساعـهٔ یحاسـب فیهـا نفسـه و ساعـهٔ یتفکر فیهـا صـنع الله وسـاعه یخلـوا فیهـا بحـظ نفسه من الحلاـل» (حر عـاملی ، ۱۳۶۴ ش : ۹۶/۴۳۴) بر شـخص خردمندی که مغلوب و مقهور نگشـته (سـرگرم دنیا طلبی نشده) سزاوار است که ساعات خود را تقسیم کند ، ساعتی را به مناجات با پروردگارش بگذرانـد و در ساعتی از نفس خود حساب بکشـد و در ساعتی به نیکویی هایی که خداوند با او نموده است اندیشـه کندو ساعتی را به بهره بردن نفسش از حلال خلوت کند .

پیامبر محاسـبه نفس را بر هر انسان عاقل و خردمنـدی که مغلوب و دیوانه و مسـحور و نیز سـرگرم دنیاطلبی نشده سـزاوار میداند چه اینکه انسان عاقل کسی است که سعی میکند با کنترل و ارزیابی کارها حداقل آسیب را بپذیرد و با حداکثر بهره مواجه شود .

بنابر این، استفاده از محاسبه نفس به عنوان یک ابزار کنترل و ارزیابی اعمال خویش برای شخص عاقل سزاوارتر است از دیگران چه اینکه به توسط محاسبه ، با نقص های خویش آشنا می شود و سعی در دفع آن می نماید .

نکته دیگر در این سـخنان عاقل بودن به شرط مغلوب نشدن است ؛ گرچه می توان این غلبه را دیوانگی یا مسحور شدن دانست ولی بایـد مغلوب نشـدن و عاقـل مانـدن را سـرگرم دنیـاطلبی نشـدن دانست چه اینکه دنیادوستی و دنیاپرستی است که هر انسان عاقل را دچار مستی و سستی می کند و هوش و عقل آدمی را از او می گیرد .

در ادامه پیامبر اکرم (صـلی الله علیه و آله) با اشاره به تقسیم ساعات زندگی به چهار دسـته می کنند ؛ که محاسـبه نفس یکی از آن هاست . این می تواند دو پیام داشـته باشد ، نخست اینکه محاسـبه نفس در ساعتی مشخص از زندگی انسان جای گیرد یقینا موجب نظم در این عمـل و به تبع آن موفقیت در کـار خواهـد بود و نیز نبایـد فراموش کرد که دوام محاسـبه را نیز بـا خود به همراه دارد و همان طور که پیش تر گفتیم بر اساس فرمایش های معصومین اگر فعلی با نظم و دوام همراه باشد هر قدر هم که کم باشد مثمر ثمر خواهد بود .

نکته دوم از این تقسـیم ساعات این است که وقتی پیامبر عقلا را توصیه به تقسیم ساعات زندگی پُر بارشان به چهار دسته می کنند ، بـدین معنـا است که این چهـار دسـته از افعـال می بایست حساس ترین و ضـروری ترین اعمال باشـد که در دنیا و آخرت انسان نیاز است که دسـته نخست اختصاص به مناجات با پروردگار برای غـذای ضـروری روح دارد و در مرتبه دوم به محاسـبه نفس اشاره می شود که برای عدم انحطاط و از طرفی رسیدن به کمال ضروری است .

در مرتبه سوم به اندیشه ورزی اشاره می شود و در مرتبه آخر به تمتع از نعمات حلال خدا اشاره می گردد.

بنابر این، اهمیت محاسبه نفس در این سخنان درربار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) کاملا نمایان است .

–۱۰رسول (صلی الله علیه و آله) :« لا یکون العبد مومناً حتی یحاسب نفسه أشدّ من محاسبه الشریک شریکه و السیّد عبده» بنده مومن (حقیقی) شمرده نمی شود مگر اینکه از نفس خود حساب بکشد ، آن هم حساب کشیدنی که به مراتب سخت تر و دقیق تر از حسابی باشد که شریک از شریک خود و آقا از بنده خود می کشد .

ایمان به معنای اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است (طباطبایی ، ۱۴۱۷ ق :۱۵/۶) و تصدیق توام با تسلیم و اطمینان خاطر است .(قرشی بنایی ، ۱۳۷۷ ش :۷/۹۶) .

بنابراین ایمان حقیقی فقط گفتار نیست بلکه همان طور که امام صادق(علیه اسلام) فرمود : ملعون است ملعون ، کسی که بگوید ایمان فقط گفتار است بدون عمل (کلینی ، ۱۳۶۲ ش:۲/۴۰۹) و درباره اهمیت ایمان حقیقی باید گفت که علی (علیه اسلام) می فرماید : انسان به سبب ایمان به سوی مرتبه بالای نیکبختی و نهایت سرور و شادمانی بالا برده می شود (تمیمی آمدی ، ۱۴۹۰ ق :۲۹۸) .

بنابر این، ایمان با چنین تعریفی دارای اهمیت والایی است اما پیامبر گرامی اسلام با این وجود شرط مومن بودن را محاسبه نفس می داند و آن را مقدمه ای بر ایمان حساب می آورند .

همان طور که اشاره شد ایمان التزام به لوازم تصدیق یک چیز است همچون تصدیق به وجدانیت الهی و افرادی که به یگانگی خدا ایمان دارند قطعاً به لوازم آن نیز التزام دارند و وقتی اسلام را پذیرفتند می بایست به لوازم آن همچون محاسبه نفس پایبند باشند چه اینکه ایمان فقط به حرف نیست بلکه به عمل است و زمانی که محاسبه نفس اتفاق افتد راه های نفوذ شیطان و نفس اماره و تولید گناهان شناسایی می شود و جلوی آن گرفته می شود و موجب مستحکم شدن پایه های اعتقاد به خدا و در نهایت منتج به ایمان می شود.

۱۱–علی (علیه اسلام) : « من ساس نفسه أدرک السیاسهٔ»(تمیمی آمدی ، ۱۴۱۰ ق : ۸۰۱۳ ح) هر کس روح خود را خوب مدیریت کند ، به خوبی های مدیریت رسیده است .

علی (علیه اسلام) در این سخن به مدیریت روح اشاره می فرمایند و منظور از آن این است که طبیعتا هر مدیریتی دارای یک فرآیند نظارت و کنترل ، فرآیندی در ارزیابی و شناسایی نقاط ضعف و قوت و تیز تدبیر در جهت رفع موانع و زدودن نقاط تاریک و رشد و گسترش دادن نقاط قوت است همچنین دوراندیشی از دیگر شاخصه های یک مدیریت می باشد .

حال اگر آنچه قرار است مدیریت شود ، با حساسیت بالایی همراه باشد قطعا مدیریت آن نیز می باید سخت تر باشد و کسی که بتواند روح را مدیریت کند قطعا توانایی های یک مدیریت موفق را کسب کرده و به سخن علی (علیه اسلام) به همه خوبی های مدیریت رسیده است .

بنابر این، در این سخن ، دو نکته نهفته بود ، نخست این که مدیریت روح به نوعی رابطه مستقیمی با محاسبه نفس دارد و نکته دیگر این که اگر کسی بتواند روح سرکش را آرام کند و مدیریت نماید قطعا توانایی مدیر خوب را کسب کرده و به همه توانایی های یک مدیریت قوی رسیده است .

همان طور که مشخص شد مدیریت چنین امری (روح) یقینا سخت و طاقت فرسا خواهد بود به همین جهت است که علی (علیه اسلام) آن را با یک معین لازم می داند و می فرماید : « سوسوا أنفسکم بالورع» (تمیمی آمدی ، ۱۴۱۰ق : ۵۵۸۸) روح خود را با پرهیزگاری مدیریت کنید .

تقوی مجمع خیر و فوز و رهایی از هر شری است (ابن عجیبه ، ۱۴۱۹ق : ۲/۳۶) تقوا وسیله ای برای هموار سازی راه رسیدن انسان به رستگاری و فلاح است چرا که ایجاد حالت وقایه برای نفس و تزکیه آن از ناپاکی ها و رذائل اخلاقی ، انسان را به مقام فلاح می

رساند .

بنابراین، چنین ابزاری می تواند به کمک مدیریت سخت روح آید و آن را به آسانی تبدیل نماید .

لازمه مدیریت روح و محاسبه و خودانتقادی تا آنجایی است که علی (علیه اسلام) می فرماید : « من حقّ الملک أن یسوس نفسه قبل جنده»(تمیمی آمدی ، ۱۴۱۰ق : ۹۳۳) رهبر یک اجتماع باید قبل از سرپرستی سربازانش ، روح خود را مدیریت و سرپرستی کند .

بنابر این، لازمه رهبری یک جامعه آن است که سرپرست آن اجتماع ابتدا روح خود را سرپرستی کند و به محاسبه و خودانتقادی روی آورد ؛ قطعا علت آن را می توان در میزان اثر بخشی فرمان یک رهبر مدیر بر روح خود با یک رهبری که توجهی به نفس خود ندارد مشاهده کرد چه اینکه یک مدیر خود ساخته قطعا تصمیماتش نیز با کنترل و ارزیابی قبلی توسط نفس همراه است و بعداز انجام آن تصمیم نیز ارزیابی میزان موفقیت عمل پرداخته و در صورت عدم رضایت ، خود را سرزنش کرده و مسئولیت ها را به گردن می گیرد.

علی (علیه اسلام) معتقد است که عاقل ترین رهبران کسی است که :« أعقل الملوک من ساس نفس للرعیه بما سقط عنه حجتها و ساس الرعیه بما تثبت به حجته علیها» (تمیمی آمدی ، ۱۴۱۰ ق: ۳۳۵۰) عاقل ترین رهبر آن است که روح خود را به گونه ای مدیریت کند که مردم نتوانند هیچ اشکالی بر کارهای او بگیرند و مردم را چنان سرپرستی کند که حجت را بر آن ها تمام کرده باشد .

منظور از «مردم نتوانند هیچ اشکالی بر کارهای او بگیرند» در واقع به گونه ای روح خویش را مدیریت کند و مورد محاسبه و انتقاد قرار دهد که کمترین اشکالی در کارهای او ظاهر باشد تا مردم بخواهند از او اشکال و انتقاد کنند و بنابر این، (هیچ اشکال) را باید عدم وجود اشکال در ظاهر و به گونه ای که جمع کثیری از مردم متوجه آن شوند تعبیر کرد و علت آن را در ادامه می فرمایند که بتوانـد طوری مردم را سرپرستی کند که چون مردم نتوانسته اند اشکال عمده ای از او بیابند و او نیز به درستی به وظیفه خود عمل کرده پس باعث می شود که اتمام حجت با مردم بکند و مدعی شود که هر آنچه در توان بوده انجام داده است .

۱۲- علی (علیه اسلام) :(و قد سئل عن کیفیة محاسبه النفس):«إذا أصبح ثم أمسی رجع إلی نفسه و قال: یا نفس إنّ هذا یوم مضی علیک لا یعود إلیک أبداً و الله سائِلک رسول الله فیها أفنیته ، فما الذی عملت فیه؟أذکرت الله أم حمدته؟ أقضیت حق أخ مؤمن؟أنفس عنه کربته ؟ أحفظته بظهر الغیب فی اهله وولده؟أحفظته بعد الموت فی مخلفیه؟أکففت عن غیبه أخ مؤمن بفضل جاهک؟أأعنت مسلما؟ما الذی صنعت فیه؟فیذکر ما کان منه،فإن ذکرناه جری منه خیر،حمدالله عزّو جل و کبره علی توفیقه و إن ذکر معصیة أو تقصیراً استغفرالله عزّوجل و عزم علی ترک معاودته»(مجلسی ، ۱۴۰۳ق:۷۰/۱۶) وقتی که یک روز را به پایان رساند به روحش خطاب کند که ای روح!امروز که بر تو گذشت ، دیگر هرگز بر نخواهد گشت بخدا سوگند!مامور الهی ، از تو خواهد پرسید که امروز را چگونه گذراندی؟چه کارهایی کردی؟آیا به یاد خدا بودی؟آیا حقوق مومنان را رعایت کردی؟آیا مسلمانی را یاری نمودی و ... پس اگر بگوید که کار خیری انجام دادم ، خدا را سپاس گوید و اگر معصیتی مرتکب شده باشد ، از خدا طلب آمرزش کند و تصمیم جدی بر ترکش گیرد .

علی (علیه اسلام) در این سخنان پُر بار خویش اشاره ای به چگونگی و کیفیت و فرآیند محاسبه و خودانتقادی دارند . نخست آن حضرت بهترین زمان جهت خودانتقادی را پایان یک روز و آغاز شب می دانند .در باب علت و چرایی این زمان باید گفت که اولا در شب انسان با یک آرامش ذهنی و جسمی بیشتری نسبت به روز رو به رو است که علتش این است اولا- طبیعت شب بر اساس آیات قرآن آرامش زا است « وجعلنا اللیل سکناً» ؛ ثانیا دغدغه های فکری انسان ها عمدتا در باب وظایف و افعال اجتماعی و روابط و تعاملات اجتماعی است که با شروع شب عمدتا کاهش یا پایان می یابد و نیز به جهت کم بودن جنب و جوش و فعالیت های انسانی در شهر ، شب دارای آرامش صوتی و تصویری بیشتری است و همه این موارد باعث می شود تا تمرکز در شب فزونی یابد و

بهتر و کیفی تر بتوان فکر کرد .
علت دیگر انتخاب چنین زمانی برای محاسبه نفس ، اتمام یک روز با انواع افعال و عکس العمل هایی است که توسط انسان ها رخ داده است و روز را بایـد مجموعه ای از حـوادث و اتفاقـات کـل عمر در مقیـاس کوچـک دانست . به همین جهت است که وجـود محاسبه در شب می تواند با نتایج بیشتری همراه باشد و با جامعیت بهتری بتوان درباره خود قضاوت کرد .
آن حضـرت در ادامه به گـذران عمر و عـدم بقای آن اشاره می کننـد و معتقدند که نفس را باید نسـبت به کوتاهی زمان دنیا وعده بازگشت ساعات و آنات انسان حساس کرد تا نکند به تسویف و امروز و فردا کردن در عمل به وظایف گرفتار آید.
ایشان در ادامه معتقدنـد که انسان باید در جریان محاسـبه نفس چند شاخصه را در نظر داشـته باشد ؛ نخست یاد خدا و حمد او . یاد خدا دارای مراتب متعددی است و نیز شامل ذکر زبانی و حقیقی و قلبی می شود .
آنچه می بایست از این فرمایش امیر (علیه اسـلام) برداشت نمود ، ذکر حقیقی و دائم است . بـدین معنا که چه مقدار از ساعات روز را به فکر تقرب خدا به افعال و تعاملات پرداخته ایم و نقش خداباوری در ذهن و فعل و تصـمیم ما چه میزان بوده؟ و در بحث حمد نیز باید توجه به ذو مراتب بودن آن بشود این که حمد خود به دو نوع حقیقی و زبانی تقسـیم می شود و منظور از (چه میزان از روز را به حمد گذراندی؟) یعنی چه میزان از افکار و اعمالت در جهت کسب رضای الهی بوده که قطعا اگر موفق به کسب رضای الهی شده باشی، گذران ساعت را نیز به حمد حقیقی الهی پرداخته ای .
در ادامه علی(علیه اسـلام) به رعـایت نمـودن حقوق برادران دینی اشـاره می فرماینـد که قطعـا چون حقوق مومنـان نسبت به هم ذو مراتب است ، شمولیت این حقوق قطعا گسترده خواهد بود .
ایشان در ادامه به یاری نمودن و عون نسبت به مسلمان دیگر اشاره می فرمایند که معونت و دستگیری چون دیگر موارد دارای انواع و اقسـام اسـت ممکن است فردی به ظـاهر در حـال کمـک به مسـلمان دیگری نیست ولی کـاری که در حـال انجـام دادن است و یا فکری که در سر می پروراند به طور غیر مستقیم می تواند گره از کار برادر دیگر مسلمانش باز کند .
در پایـان نیز اشـاره به نـتیجه بخش بـودن محاسـبه دارنـد که اگر در این فرآینـد کـار خیری یـافتی خـدا را سپاس حقیقی گو و اگر معصیتی مرتکب شده از خدا آمرزش طلب کن و تصمیم جدی بر ترک معاصی بگیر و توبه نصوح کن .

اثرات و کارکردهای خودانتقادی

وقوف بر کاستی ها

: وقتی انسان به حساب خود رسیدگی کند، اگر عیب و ایرادی در کارهایش باشد ، برایش آشـکار می شود، این مطلب در سـخنان گوهر بار علی (علیه اسـلام) چنین آمده است :« من حاسب نفسه وقف علی عیوبه»(آجمال خوانساری،۱۳۴۶ ش: ۵/۳۹۹)هر کس به حساب خود برسد ، بر عیب های خویش آگاهی می یابد .
این عیب و کاستی ها امکان دارد ظاهری یا باطنی باشـد ، به هر حال پس از محاسبه، برای فرد مشـخص می شود که کجای کارش عیب دارد ولی اگر به ارزیابی خود نپردازد ، از چنین دستاوردی محروم خواهد ماند .

اصلاح خویش

: انسان عاقل ، وقتی به عیب خویش آگاه شـد به طور طبیعی نسـبت به آن حساس می شود و اگر وجدان بیداری داشـته باشد تلاش می کند آن عیب را از خود دور سازد .

علی(علیه اسلام) : «ثمرة المحاسبه صلاح النفس»(آقا جمال خوانساری ، ۱۳۴۶ ش : ۳/۳۳۴) میوه محاسبه ، اصلاح خویش است و همان گونه که آدمی با ایستادن رو به روی آینه ، سر و وضع ظاهری خود را مرتب می کند ، محاسبه و خود انتقادی نیز چون آینه این فرصت را به او می دهد که اعمال و رفتار خویش را سامان دهد .

کسب کمال

: کسانی که به اعمال خویش رسیدگی می کنند ، خواه ناخواه، راه های سقوط وسعود را بهتر می شناسند و در نتیجه راه کمال را می پیمایند و از گمراهی و سقوط می رهند ، که نمونه آن را می توان متنبه شدن فضیل عیاض دانست که با آیه «ألم یأن الذین آمنوا» به توبه نصوح پرداخت و توانست در اندک زمانی راه کمال را پله پله پیموده و از عرفای بزرگ زمان خود شود .

خوشبختی

: سعادت و نیکبختی نیز نتیجه سه کارکرد یاد شده است و بدیهی است آن کس که به کاستی هایش آگاه شود و آن را اصلاح نماید ، به نیک بختی نیز نایل خواهد شد . این کارکرد نیز در سخنان گوهربار علی (علیه اسلام) منعکس شده است :«من حاسب نفسه سعد»(آقا جمال خوانساری ، ۱۳۴۶ش ۵/۸۳).

حسابرسی آسان در قیامت

: در قرآن سخن از حساب سخت و آسان به میان آمده و در قیامت ، عده ای به سختی و دقت تمام مورد محاسبه قرار می گیرند که خود این حساب و کتاب ، بسیار رنج آور و نوعی عذاب است ولی از برخی نیز با ملایمت و احترام ، آسان حساب کشی می شود؛«فامّا من اوتی کتابه بیمینه فسوف یحاسب حساباً یسیراً»(انشقاق/۷و۸)اما کسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود ، پس به زودی ، به گونه ای آسان محاسبه می شود .

افزایش حسنات و آمرزش گناهان

: خودانتقادی ، سبب می شود که مومن از گناهان و خطاهای گذشته توبه کرده ، به جبران بدی ها همت گمارد تا در جرگه توبه کنندگان قرار گیرد که محبوب خداوند هستند :«إن الله یحبّ التوّابین و یحبّ المتطهّرین»(بقره/۲۲۲) خداوند ، توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد .

و از طرفی چون پس از محاسبه و توبه ، کارهای نیکو انجام می دهد ، طبق سنت الهی کار نیک ، اثر کار ناشایست را از میان می برد ؛ «إن الحسنات یذهبن السیئات ذلك ذکری لذاکرین»(هود/۱۱۴)

و بالاتر اینکه محاسبه و توبه واقعی سبب می شود مومن، مورد عنایت الهی قرار گیرد و به سبب لطف خدا، حتی سیئات او نیز به حسنات تبدیل شوند . به این ترتیب مومن تواب، پاداشی دوسویه دریافت می کند«من تاب و آمن و عمل صالحاً فاولئك یبدّل الله سیئاتهم حسنات و کان الله غفوراً رحیماً»(فرقان/۷۰)

مسئولیت پذیری و کاهش ناهنجاری های اجتماعی :

باید این مورد را برآیندی بر اثرات قبلی دانست چه اینکه خودانتقادی و کنترل و ارزیابی خویش چون باعث وقوف انسان بر خطاهای خویش می شود و سپس به تقویت اعمال نیکو و زدایش اعمال ناشایست می پردازد او را فردی مسئول بر خود بار می

آورد .

چنین فردی اگر به مداومت این امر اهتمام ورزد بی شک در همه اعمال ، رفتار ، گفتار و حتی تفکرات خویش مسئولیت پذیری را سرلوحه زندگی خود قرار می دهد .

واژه مسئولیت در عرف عام به مفهوم تصمیم گیری مناسب است که فرد در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولا از او می رود ، دست به انتخابی بزند و این انتخاب سبب ایجاد روابط انسانی مثبت ، افزایش ایمنی ، موفقیت و آسایش خاطر می شود ؛ افرادی که احساس مسئولیت می کنند به ابزار ، نگرش ها و منابعی که برای ارزیابی موثر موقعیت ها نیاز دارند ، مجهز هستند و به انتخاب هایی دست می زنند که برای خود و اطرافیانشان مناسب است .

مسئولیت پذیری اغلب به نوعی ارتباط افراد و محیط آن ها اشاره دارد . در مسئولیت پذیری نگرش فرد نسبت به اقداماتی که انجام می دهد ، نیز بخشی از پاسخ او را می سازد.(فیشر و نیجهوف ، ۲۰۰۵: ۱۵۷) .

اقدام مسئولانه مستلزم پاسخی است که بر اساس مقاصد و انگیزه های اقدامات و فعالیت ها ارائه گردد .

باونز ، ادعا می کند که برای پاسخ گو بودن باید فرصت مسئولانه عمل کردن وجود داشته باشد . (پترسون ، ۱۹۷۴: ۸۵) بنابر این، وقتی انسان مسئولیت پذیر و خود کنترل شد، دیگر هرج و مرج رفتاری ، فکری و گفتاری در او وجود نخواهد داشت و هر رفتار، گفتار و فکری بر اساس نظم ، قاعده و با ضمانت پاسخگویی خواهد بود و رعایت هنجارهای خانوادگی ، مذهبی و اجتماعی خواهد شد و از ناهنجاری های اجتماعی به شدت کاسته خواهد شد .

نتیجه گیری

انسان موجودی است کمال گرا و دارای اهداف گوناگون لکن آن هدفی که او را موجودی بی هدف و عبث قرار نداده چیزی جز عبودیت خدا به معنای تام خود و با رعایت مراتب آن و تقرب به خداوند که مایه سعادت و کمال جاودانه او می شود نیست .

او برای رسیدن به این هدف می باید خود را از آلودگی های گناه دور نگه دارد و به پاکیزی های اعمال صالح برساند . این مهم تحقق نمی یابد جز از طریق خود انتقادی و محاسبه و کنترل خویش که در روایات از آن به عنوان مایه سعادت ، شرطی برای تقوی و ایمان و مسلمان بودن تعبیر شده که دارای روش مشخصی است و بهترین زمان برای آن ابتدای شب بنا بر فرموده علی(علیه اسلام) است .

آنچه از فرمایشات ائمه بر می آید ؛ اگر فرآیند خود انتقادی به طور صحیح و کامل و مداوم صورت گیرد منتج به احساس مسئولیت فردی و جمعی و کاهش آسیب های ناشی از تکثر گناهان می شود چه اینکه فرد را از غفلت و روزمرگی در انجام گناه بازداشته و به اعمال صالح عادت می دهد .

چنین ابزار مهمی که می باید در جوامع امروز مورد توجه قرار می گیرد و حضورش بیشتر احساس می شود متاسفانه از سوی بد خواهان انسانیت مورد غفلت قرار می گیرد که می طلبد پژوهشگران دینی در جهت مخالفت و مقابله با آن ها گام برداشته و به پژوهش های بیشتری در این حوزه اهتمام ورزند و موضوعاتی چون، خود انتقادی و نقش آن در توسعه جوامع انسانی ، گونه شناسی خودانتقادی (به فردی ، به اجتماعی و...) ، بررسی مفهومی خودانتقادی در اسلام و مکاتب روانشناسی و جامعه شناسی ، خود انتقادی و مصادیق آن در قرآن وحدیث ، انتظار و ارتباط آن با خودانتقادی و ... اهتمام ورزند .

والحمدلله و سلام علی عباده المنتجبین و الصالحین .

منابع

۱–قرآن مجید

۲–آبرکرامبی،نیکولاس،درآمدی برجامعه شناسی،تهران،نشرنی،۱۳۸۸ش

۳–ابن بابویه قمی(مشهوربه شیخ صدوق)،ابی جعفرمحمدبن علی،عیون اخبارالرضا،چاپ اول،تهران،انتشارات اسلامیه،بی تا

۴–ابن شعبه حرانی،حسن بن علی،تحف العقول،چاپ دوم،قم،جامعه مدرسین،۱۴۰۴ق

۵–ابن عجیبه،احمدبن محمد،البحرالمدیدفی تفسیرالقرآن المجید،قاهره،۱۴۱۹ق

۶–ابن منظور،محمدبن مکرم،لسان العرب،چاپ سوم،بیروت،دارالفکر،۱۴۱۴ق

۷–اسلامی،سیدحسن،اخلاق نقد،چاپ اول،قم،معارف،۱۳۸۳ش

۸–آقاجمال خوانساری،محمدبن حسین،شرح خوانساربرغررالحکم ودررالکلم،چاپ اول،تهران،دانشگاه تهران،۱۳۴۶ش

۹–بستانی،فوادافرام،فرهنگ ابجدی،تهران،انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰ش

۱۰–تمیمی آمدی،عبدالواحدبن محمد،غررالحکم ودررالکلم،چاپ دوم،قم،دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق

۱۱–جوهری،اسماعیل بن حماد،صحاح تاج اللغه،چاپ اول،بیروت،دارالعلم،۱۳۹۹ق

۱۲–حرعاملی،محمدبن حسن،وسائل الشیعه،چاپ اول،قم،موسسه آل البیت،۱۴۰۹ق

۱۳– حرعاملی،محمدبن حسن،جهادالنفس،چاپ اول،تهران،انتشارات ناس،۱۳۶۴ش

۱۴–حقانی زنجانی،حسن،پژوهشی درارزش های اخلاقی،تهران الزهراء،۱۳۸۳ش

۱۵–دشتی،محمد،نهج الحیاه،چاپ اول،قم،بنیادفرهنگی امام رضا(ع)،۱۳۷۲ش

۱۶–دهخدا،علی اکبر،لغت نامه،تهران،دانشگاه تهران،۱۳۷۷ش

۱۷–زحیلی،وهبه بن مصطفی،التفسیرالمنیرفی القصیده والشریعه،چاپ دوم،بیروت،دارالفکر،۱۴۱۸ق

۱۸–زرین کوب،عبدالحسین،آشنایی بانقدادبی،چاپ ششم،تهران،سخن، ۱۳۸۰ش

۱۹–سیدبن طاووس،علی بن موسی بن جعفر،فلاح السائل،چاپ اول،قم،دفترتبلیغات اسلامی،۱۳۷۲ش

۲۰–شریف الرضی،محمدبن حسین،نهج البلاغه،چاپ اول،قم،هجرت،۱۴۱۴ق

۲۱–شریفی،احمدحسین،مقاله آیین زندگی،قم،نشریه معارف،شماره۱۳۸۵،۲۳ ش

۲۲–صفایی حائری،علی ،روش نقد،قم،لیله القدر،چاپ دوم،۱۳۸۶ش

۲۳–طباطبایی،محمدحسین،المیزان فی تفسیرالقرآن،چاپ پنجم،قم،دفترانتشارات اسلامی،۱۴۱۷ق

۲۴–طبرسی،فضل بن حسن،مجمع البیان فی تفسیرالقرآن المجید،چاپ سوم،تهران،ناصرخسرو،۱۳۷۲ش

۲۵–طریحی،فخرالدین،مجمع البحرین،چاپ سوم،تهران،مرتضوی،۱۳۷۵ش

۲۶–طوسی،محمدبن محمدنصیرالدین،اخلاق ناصری،تهران،کتابفروشی علمیه اسلامیه،بی تا

۲۷–کلانتری،علی اکبر،اخلاق زندگی،چاپ اول،قم،معارف،۱۳۸۵ش

۲۸–کلینی،محمدبن یعقوب،الکافی،چاپ دوم،تهران،انتشارات اسلامیه،۱۳۶۲ش

۲۹–فیروزآبادی،محمدبن یعقوب،قاموس المحیط،بیروت،دارالفکر،بی تا

۳۰–قریشی بنایی،سیدعلی اکبر،احسن الحدیث،چاپ سوم،تهران،بنیادبعثت،۱۳۷۷ش

۳۱–قمی،عباس،سفینه البحار،چاپ اول،نجف،مطبعه علمیه،۱۳۵۵ش

۳۲–مصباح یزدی،محمدتقی،اخلاق درقرآن،قم،موسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۸۰ش

۳۳– مصباح یزدی،محمدتقی،پندهای امام صادق به رهپویان صادق(ع)،موسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۸۰ش

۳۴-مطهری،مرتضی،اسلام ومقتضیات زمان،تهران،صدرا،۱۳۶۸ش

۳۵-معلوف،لوییس،المنجدالابجدی،تهران،فقیه،۱۳۶۳ش

۳۶-مفید،محمدبن محمد،الاختصاص،چاپ اول،قم،المعترالعالمی لالفیه الشیخ المفید،۱۴۱۳ق

۳۷-مقری البیهقی،احمدبن علی،تاج المصادر،تهران،موسسه مطالعات وتحقیقات فرهنگی،۱۳۷۵ش

۳۸-محمدی ری شهری،محمد،میزان الحکمه،چاپ نهم،قم،دارالحدیث،۱۳۸۷ش

۳۹-مجلسی،محمدباقر،بحارالانوار،چاپ دوم،بیروت،دارالاحیاءالتراث العربی،۱۴۰۳ق

۴۰-ملکی تبریزی،جوادبن شفیع،رساله لقاءالله،چاپ اول،تهران ،فیض کاشانی،۱۳۷۲ش

۴۱-نراقی،مهدی،جامع السعادات،چاپ دوم،تهران،حکمت،۱۳۶۶ش

۴۲-نوری،حسین بن محمدتقی،مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل،چاپ اول،قم،آل البیت،۱۴۰۸ق

منابع لاتین:

۴۳-Fiss cher,o...and Nishof,A.(۲۰۰۵),"Emplicarion of business ethics for quality management

۴۴-Peterson,E.(۱۹۷۴)"consumerism as a retailers asset,Havard Business Review,May/June

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».